

سطح‌بندی متغیرهای فرهنگی - توریستی مؤثر بر افزایش وابستگی ژئوپلیتیکی جمهوری خودمختار نخجوان به ایران

هادی اعظمی* - سید هادی زرقانی** - محسن سلطانی***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۸)

چکیده

وابستگی کشورها به همدیگر در عرصه‌های مختلف، بر وزن ژئوپلیتیکی و نوع رفتار آن‌ها در عرصه بین‌المللی تأثیر فراوانی دارد. جمهوری خودمختار نخجوان به‌عنوان بخشی از کشور آذربایجان، توسط دالان زنگزور مگری ارمنستان از سرزمین مادری جدا افتاده است و پس از جنگ قره‌باغ، تنها راه ارتباط زمینی بین نخجوان و جمهوری آذربایجان، استفاده از خاک ایران است. با توجه به روابط امنیتی و چالش‌های فراوانی که در طی سالیان گذشته بین دولت آذربایجان و ایران به وجود آمده است و همچنین با توجه به عدم پیوستگی جغرافیایی این کشور با واحد برونگان خود (نخجوان) که از بزرگ‌ترین مشکلات استراتژیکی این کشور است، باید با افزایش سطح وابستگی ژئوپلیتیکی نخجوان به ایران، نوع روابط دو کشور آذربایجان و ایران را تغییر داد. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و پرسشنامه‌ای، به بررسی، اولویت‌بندی و بیان میزان تأثیر متغیرهای گوناگون در بعد فرهنگی-توریستی بر افزایش وابستگی نخجوان به ایران پرداخته است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده؛ مؤلفه‌های اجرای قانون لغو روادید برای اتباع آذری، بهبود ارائه خدمات درمانی-بهداشتی، اشتراکات زبانی، مذهبی و نهادهای فرهنگی مشترک دارای بیشترین تأثیر و دو مؤلفه پیشینه تاریخی مشترک و روابط علمی و دانشگاهی دارای کمترین تأثیر بر افزایش وابستگی نخجوان به ایران در بعد فرهنگی و توریستی بوده‌اند.

واژگان کلیدی: متغیرهای فرهنگی-توریستی، وابستگی ژئوپلیتیکی، جمهوری خودمختار نخجوان، ایران

aazami@um.ac.ir

h-zarghani@um.ac.ir

sorena_698842@yahoo.com

* دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

** دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

*** کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

داشتن مناطقی تحت عنوان مناطق برونگان، در نوع رفتار بین‌المللی یک کشور بسیار مهم تلقی می‌شود و زمینه را برای وابستگی یک کشور به سایر کشورها، برای برقراری ارتباط با واحد جدا افتاده خود فراهم می‌کند. منطقه نخجوان با وسعت ۵۵۰۰ کیلومتر مربع توسط دالان زنگزور کشور ارمنستان از خاک اصلی آذربایجان دور افتاده است و پس از جنگ ۱۹۸۸ قره‌باغ و قطع ارتباط زمینی مستقیم بین نخجوان و خاک اصلی از طریق خاک ارمنستان، تنها راه ارتباط زمینی این منطقه با سرزمین مادری، استفاده از فضای سرزمینی ایران است. عدم پیوستگی جغرافیایی با نخجوان از مهم‌ترین تنگناهای ژئوپلیتیکی و امنیتی جمهوری آذربایجان پس از مسئله قره‌باغ است. در سالیان اخیر و البته با تحریک قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای، تنش‌های متعددی در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و... در روابط ایران و دولت آذربایجان به وجود آمده و آثار سوئی بر منافع ملی ایران داشته است. در چنین شرایطی ایران باید از ابزارهای در دسترس خود، برای بهبود و تغییر نوع روابط با دولت همسایه استفاده کند. با توجه به وابستگی آذربایجان و نخجوان برای برقراری ارتباط به ایران و از آنجا که دورنمای روشنی نسبت به بهبود روابط آذربایجان و ارمنستان دیده نمی‌شود و همچنین مرز کوتاه ۱۱ کیلومتری نخجوان با ترکیه نیز کاملاً در تیررس توپخانه ارتش ارمنستان قرار دارد، لذا باید با افزایش وابستگی ژئوپلیتیکی نخجوان به ایران، نوع رفتارهای سیاسی دولت آذربایجان در قبال ایران را تا حد امکان تغییر داد. سؤال اصلی مقاله کنونی این است که مهم‌ترین متغیرهای فرهنگی-توریستی مؤثر بر افزایش وابستگی ژئوپلیتیکی نخجوان به ایران کدام‌اند و در بین هر کدام از این متغیرها، کدام عوامل در اولویت قرار دارند؟ پژوهش کنونی با استفاده از اطلاعات کتابخانه‌ای و اطلاعات حاصل از تکمیل پرسشنامه و استخراج نتایج حاصله با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و استفاده از آزمون فریدمن، به اولویت‌بندی هر کدام از ابعاد مختلف مؤثر بر افزایش سطح وابستگی نخجوان به ایران پرداخته است.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله با توجه به ماهیت نظری آن، توصیفی-تحلیلی است، که اطلاعات مورد نیاز در قالب دو بخش کتابخانه‌ای با مراجعه به منابع معتبر، کتب، مقالات و بخش اطلاعات پرسشنامه‌ای به دست آمده است.

چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

رهیافت سازه‌انگاری

از نظر این رهیافت، همان‌گونه که «اریک رینگمار» اشاره می‌کند، هویت‌ها منافع را شکل می‌دهند و منافع نیز سرچشمه اقدام‌ها هستند و به کنش‌ها و رفتارها در سیاست خارجی می‌انجامند. رهیافت سازه‌انگاری بر سه اصل اساسی استوار است:

۱- ساختارهای نظری، فکری و هنجاری به‌اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند و نقش مؤثری در کنش‌های سیاسی ایفا می‌کنند.

۲- هویت‌های سیاسی، تاریخی، مذهبی و قومی در شکل‌گیری منافع و رفتار بازیگران نظام بین‌الملل نقش انکارناپذیری ایفا می‌کنند. هویت به مفهوم وضعیت شبیه بودن به برخی بازیگران و تفاوت داشتن از دیگران است و شامل ایجاد مرزهایی است که خود را از دیگران جدا می‌کند (Smith, 1963: 17). یک دولت دیگران را مطابق هویت و ساختاری که برای آن‌ها قائل است، درک می‌کند (Linkalter, 2000: 175). خلاصه آنکه دولت‌ها بر اساس تصویری که از هویت خود دارند، به تعریف منافع خود می‌پردازند و رفتارهای خارجی آن‌ها محصول این برداشت از منافع ملی است.

۳- اصل سوم، تعامل ساختار-کارگزار است. سازه‌انگاران بر این باورند که ساختار و کارگزار در فرایندی دیالکتیک، یکدیگر را بازتولید می‌کنند (Price & Reus-smith, 1998: 262). از نظر اونف: قواعد، کارگزاران را بر اساس ساختارها و ساختارها را بر مبنای کارگزاران تعریف می‌کنند و با تغییر در تعداد، نوع، رابطه و محتوای قواعد، ساختارها و کارگزاران به شکل مستمر بازتولید می‌شوند (Onuf, 1989: 7).

در گفتاری سازه‌انگاران، هویت مذهبی حکومت ایران و تلاش‌های فرهنگی-ایدئولوژیک آن در آذربایجان ابتدای استقلال، برداشت باکو نسبت به ایران را تغییر داد و این کشور روابط خود با ایران را به‌عنوان یک دشمن و تهدیدکننده منافع خود، پی‌ریزی کرد و این مسئله تا حد زیادی نفوذ ایران را در نخجوان و همین‌طور خاک اصلی آذربایجان در سالیان بعدی محدود و متأثر ساخت.

در این تعامل همان‌گونه که ونت اشاره می‌کند ممکن است نشانه‌هایی ردوبدل شوند، رویه‌هایی شکل بگیرند و کنش‌هایی صورت‌پذیرند که به دشمنی، احساس تهدید و ایجاد نگرشی امنیتی منجر شوند (ونت، ۱۳۸۴: ۳۵۹)؛ بنابراین آنچه برداشت‌های ایران و جمهوری آذربایجان را در مورد نخجوان شکل داده و مبنای رفتار این دو در روابط متقابل خود در نخجوان قرار گرفته، عمدتاً به هویت و ساختار این دو کشور برمی‌گردد که به‌نوبه خود تحت

تأثیر ارزش‌ها و باورهای حاکم بر سیاست خارجی آن‌ها قرار دارد و سایر ابعاد روابط دو طرف را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. هویت این دولت‌ها، منافع، اهداف و مواضع آن‌ها را در قبال هم مشخص می‌کند.

جمهوری خودمختار نخجوان

جمهوری خودمختار نخجوان، قسمت برونگان کشور جمهوری آذربایجان و واقع در قسمت جنوبی منطقه قفقاز و گوشه شمال غربی ایران است که توسط دالان زنگزور^۱ کشور ارمنستان از خاک اصلی جدا افتاده است. از نظر موقعیت جغرافیایی، نخجوان در $44^{\circ}/46'$ تا $46^{\circ}/8'$ طول شرقی و $38^{\circ}/50'$ تا $39^{\circ}/47'$ عرض شمالی واقع شده است (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۹).

این جمهوری طبق آمار، در ابتدای سال ۲۰۱۵ میلادی، بالغ بر ۴۳۹۸۰۰ نفر جمعیت داشته است (بانک جهانی، ۲۰۱۵). مساحت این منطقه به ۵۵۰۰ کیلومتر مربع می‌رسد و از نظر ترکیب قومیتی، از کل جمعیت این جمهوری حدود ۹۹/۱ درصد ترک، ۰/۱۵ درصد روس تبار و بقیه را سایر قومیت‌ها مانند کردها و گرجی‌ها تشکیل داده است (Nakhchivan, 2005: 112).



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی جمهوری خودمختار نخجوان (https://maps.google.com).

برونگان (برون‌بوم)^۲

در رابطه با تعریف مناطق برونگان به تعریفی که دره میرحیدر، نخستین جغرافیدان سیاسی ایران ارائه کرده است استناد می‌کنیم که برونگان را مناطقی می‌داند که توسط خاک کشور

1. Zngzur Corridor
2. Exclave

همسایه از سرزمین اصلی خود جدا افتاده‌اند و در نتیجه برای اداره آن‌ها نیاز به ترتیبات خاصی است (میرحیدر، ۱۳۸۶: ۲۸).

مناطق برونگان برای کشور مادر مشکلات فراوانی به وجود می‌آورد. دسترسی به این مناطق طبق معاهده و قرارداد است و اعمال تشریفات گمرکی به‌سختی صورت می‌گیرد. منطقه برون‌بوم از دسترسی به نزدیک‌ترین بازار برای محصولات خود و نیز منابع انرژی و نیروی کار دور می‌افتد. تقویت نیروهای جدایی طلب از دیگر مشکلات این مناطق برای سرزمین مادری خود است. جمهوری خودمختار نخجوان در کشور آذربایجان نمونه این مناطق است که با خاک ارمنستان از بدنه اصلی کشور خود جدا مانده است.

خودمختاری^۱

تعریفی که از خودمختاری می‌توان ارائه داد عبارت است از الگوی سیاسی‌ای که دارای حکومت و مجلس محلی ویژه‌ای است و قوانین و مالیات‌ها و سیاست‌های اقتصادی ویژه‌ای را دارد اما در روابط خارجی و امور مربوط به دفاع و جنگ و صلح تابع حکومت مرکزی است (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۱۲). یا به عبارتی خودمختاری به آزادی محدود یک واحد سیاسی در اداره امور خود اطلاق می‌شود که در زمینه روابط خارجی و جنگ و دفاع تابع دولت مرکزی است.

خودمختاری خود به انواع مختلفی تقسیم‌بندی شده است که عبارت‌اند از:

۱: مطالبه‌ای: نظیر کردستان عراق. در این نوع خودمختاری یک منطقه جغرافیایی نسبتاً قدرتمند همراه با ساختار اکولوژیک پس از دوره‌های کشمکش و با اعمال فشار به دولت مرکزی خواستار خودمختاری می‌شود.

۲: توافقی: در سایه عقلانیت و اندیشه جمعی در ساختار سیاسی به وجود می‌آید و گویای درک صحیح هیئت حاکمه از تفاوت‌های جغرافیایی و مقتضیات محلی است. خودمختاری جمهوری نخجوان از آذربایجان از این نمونه است.

۳: تفویضی: با در نظر گرفتن ملاحظات اقتصادی و سیاسی و در چارچوب منافع ملی به بخش‌هایی از کشور اعطا می‌شود. مثل مناطق آزاد تجاری (احمدی پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

پیشینه تحقیق

۱- پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد تحت عنوان «بررسی نقش موقعیت برونگان جمهوری خودمختار نخجوان در مناسبات ژئوپلیتیکی ایران و آذربایجان»، نوشته محسن سلطانی در

اردیبهشت ۱۳۹۴. نویسنده در این اثر به بررسی تأثیر مؤلفه‌های گوناگون اقتصادی-سیاسی و امنیتی-توریستی و فرهنگی بر افزایش وابستگی ژئوپلیتیکی نخجوان و در سطحی فراتر، جمهوری آذربایجان به ایران پرداخته است.

۲- مقاله «آذربایجان و رویکرد خروج آهسته نخجوان از وابستگی به ایران» نوشته فرزاد رضانی که در اردیبهشت ۱۳۹۲ در مرکز مطالعات ایران-اوراسیا به چاپ رسیده است. در این مقاله به مجموعه اقداماتی که جمهوری آذربایجان برای کاهش وابستگی نخجوان به ایران در دست اقدام دارد، اشاره کرده است؛ از جمله تشدید مقررات گمرکی، گسترش حمل‌ونقل ترکیه با نخجوان، گسترش روابط بازرگانی با ترکیه و احداث خط لوله ترانس آناتولی و سوآپ گاز بین ترکیه و آذربایجان.

یافته‌های پژوهش

الف: یافته‌های کتابخانه‌ای

مهم‌ترین مسائل و تنش‌های موجود در روابط جمهوری آذربایجان و ایران

روابط ایران و جمهوری آذربایجان، به‌ویژه بعد از جنگ قره‌باغ با ارمنستان، به سمت تقابل حرکت کرده و روند مثبتی نداشته است و دلایل متعددی در این امر دخالت داشته‌اند. عمده‌ترین مسائلی که در سالیان گذشته از ناحیه کشور آذربایجان در ابعاد مختلف ژئواکونومیکی، ژئوکالچر و سیاسی-امنیتی، که از نظر ایران اقداماتی چالش‌برانگیز قلمداد شده عبارت‌اند از:

- عدم امکان مشارکت ایران در پروژه‌های استخراج انرژی و همچنین انتقال نفت و گاز آذربایجان توسط شرکت‌های چندملیتی از مسیری به‌جز مسیر ایران و تقویت رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران از این طریق. مهم‌ترین این پروژه‌ها عبارت‌اند از: ۱- خط لوله «باکو-تفلیس-جهان»، که مهم‌ترین تأثیر این خط لوله، محرومیت ایران از فواید سیاسی و اقتصادی فراوان عبور این خط لوله از خاک خود و شتاب بخشی به همکاری‌های استراتژیک ترکیه و آذربایجان بود (Starr & Cornel, 2005, 26). از دیگر پروژه‌های مهم، می‌توان از: خط لوله «باکو-تفلیس-ارزروم»، خط لوله «ناباکو»، کنسرسیوم نفتی «قرن» و پروژه «ترانس-آناتولی» نام برد (موسوی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۳). البته اتخاذ چنین تصمیمی برای انتقال انرژی صادراتی خود از ترکیه به دلیل فشار بسیار زیاد دولت آمریکا و در راستای سیاست معروف (همه‌چیز منهای ایران) این کشور بوده است (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۴). خاطر نشان می‌سازد که اتخاذ چنین تصمیماتی، خود بخشی از اختیارات هر کشوری و در راستای پیگیری منافع ملی آن کشور است، اما در این بین ممکن است برخی همسایگان خود را با چالش مواجه سازد؛ که

این چالش در ارتباط با ایران، از دست دادن منافع مالی و سیاسی فراوان عبور خطوط انتقال انرژی از خاک خود بوده است. از پروژه «قرن» در واقع نقطه شروع اختلافات ایران و آذربایجان نام برده می‌شود که در آن ایران به دلایلی که در بالا اشاره گردید، کنار گذاشته شد و این در صورتی بود که با توجه به کمک‌های فراوانی که این کشور در تأمین نیازهای جمهوری نخجوان در جنگ قره‌باغ داشت، انتظار چنین رفتاری را از دولت آذربایجان نداشت. - زمینه‌سازی برای نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای در منطقه قفقاز از جمله ایالات متحده آمریکا، ناتو، ترکیه (احداث پایگاه نظامی در نخجوان و رقابت با ایران و روسیه در منطقه قفقاز)، اسرائیل (ایجاد قرینه لبنان در آذربایجان)، عربستان سعودی (با هدف گسترش اندیشه وهابیت) (جوادی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۱-۱۰۲). گسترش نفوذ هر کدام از کشورهای یادشده باعث محدود شدن میدان عمل ایران در ماورای مرزهای شمال غربی خود می‌شود. نمودار ۱، مهم‌ترین اهداف اسرائیل از حضور در آذربایجان را نشان می‌دهد:



نمودار ۱: مهم‌ترین اهداف اسرائیل از حضور در آذربایجان
(نمودار از نویسندگان بر اساس کامران و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۶-۷۲).

حضور نزدیک قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای، به‌ویژه ایالات متحده، اسرائیل و ترکیه در آذربایجان، چالش‌های جدی امنیتی و اقتصادی و سیاسی را برای ایران به وجود آورده است. راهبرد اسرائیل در آذربایجان، همچون امریکا راهبرد همه‌چیز منهای ایران است (Buris, 2003: 17). به‌طور کلی باید گفت دولت آذربایجان، ایران را به همکاری با ارمنستان در بحران قره‌باغ متهم می‌کند و همکاری نزدیک دو کشور را برنمی‌تابد، لذا بخشی از تلاش‌های این کشور برای کشاندن پای

اسرائیل به منطقه، تقابل با روابط نزدیک ایران-ارمنستان است.

- علاقه‌مندی بسیار زیاد این کشور برای همکاری با ناتو و عضویت در آن (پیشگاهی فرد و موسوی فر، ۱۳۸۹: ۱۱۹). علاقه یک کشور به عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و اتحادیه‌های مختلف به‌طور طبیعی حق آن کشور است اما چنین عضویت‌هایی در عصر حاضر بدون توجه به منافع کشورهای دیگر و به‌ویژه همسایگانی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از تبعات آن تأثیر خواهند پذیرفت، بدون شک خالی از ایجاد تنش نخواهد بود. به‌ویژه اینکه لازم به ذکر است یکی از انگیزه‌های اصلی گسترش ناتو به جمهوری آذربایجان، علاوه بر تحت فشار قرار دادن روسیه، کنترل ایران است.

- وجود جریان سکولار و ملی‌گرای افراطی و دارای ایده‌های پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم که تهدیدی بر تمامیت ارضی ایران محسوب می‌شود (زهرانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۷). موضوع آرمانی آذربایجان بزرگ، همواره نقش اصلی را در مناسبات دو کشور داشته و سایر منابع تنش را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و این آرمان از سوی ۵ کانون تقویت می‌شود: ۱- ترکیه ۲- دولت باکو ۳- تل‌آویو ۴- تصمیم‌سازان امریکا به‌ویژه حزب جمهوری خواه ۵- شونیست‌های آذری استان‌های شمال غربی ایران (کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۸۳). البته تا زمانی که حکومت مرکزی ایران در ابعاد نظامی و سیاسی قدرتمند است، آذربایجان از طرح این موضوع بیش از ایران آسیب‌پذیر است ولی به‌محض ظاهر شدن نشانه‌های ضعف در تهران، شونیست‌های آذری به‌عنوان هسته سازمان‌دهی شده اولیه و چهارکانون دیگر به‌عنوان هدایت‌کننده، در اندیشه بهره‌برداری خواهند بود.

- تحریف رسمی تاریخ و تمامیت ارضی ایران در کتب رسمی این کشور. در این رابطه حتی برخی از مؤسسان جمهوری آذربایجان سخن از استقبال مردم خطه آذربایجان ایران برای پیوستن به این کشور می‌رانند. به‌عنوان نمونه محمدمین رسول‌زاده، یکی از این مؤسسان، در مقاله‌ای ضمن نام‌گذاری خطه آذربایجان ایران تحت عنوان آذربایجان جنوبی، از تأسیس یک کشور مشترک بر اساس پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم استقبال کرده است (Nasibu, 2012: 6).

- رقابت دو کشور در زمینه رژیم حقوقی خزر. آذربایجان قائل به تقسیم کلی دریای خزر و تبدیل آن به مناطق ملی کشورهاست و با توجه به اینکه ادعا دارد اتحاد شوروی در ۱۹۷۰ تمامی خط فرضی بین آستارا تا خلیج حسینقلی جمهوری‌های ساحلی تقسیم کرده است لذا معتقد است هر کشور ساحلی سهم خود از خزر را از یک منطقه امتداد ساحلی تا خط مرکزی (خطی که فاصله برابری از هر ساحل دارد) به دست خواهد آورد. در نتیجه با طرح این ادعا در رابطه با رژیم حقوقی خزر، به ایران آن سهمی تعلق گیرد که زیرخط مابین دو نقطه مرزی

خشکی ایران یعنی آستارا تا خلیج حسینقلی است، که فقط ۱۱ درصد خزر را شامل می‌شود که به شدت با خواست ایران در خزر مبنی بر محدوده ۲۰ درصدی در تعارض است (ملکی، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

- ایجاد آلودگی زیست‌محیطی گسترده در خزر و ادعای مالکیت میادین انرژی ایران در دریای خزر از جمله دو میدان نفتی «سردار جنگل» و «البرز» و دعوت از شرکت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای برای استخراج نفت قبل از شکل‌گیری رژیم حقوقی خزر (کولایی و اصولی، ۱۳۹۱: ۸۵). این مسئله گاه به برخوردهایی بین دو کشور منجر شده است؛ از جمله در سال ۱۳۸۰ دو شرکت بریتیش پترولیوم از انگلیس و استات اویل نروژ با اخطار شدید نیروی هوایی ایران دست از فعالیت در میدان البرز که به صورت یک‌طرفه از سوی آذربایجان به این دو شرکت واگذار شده بود، برداشتند. این امر تنش‌هایی مقطعی را بین ایران و آذربایجان و ترکیه و حتی روسیه به وجود آورد.

- استمرار بحران قره‌باغ که باعث شده تا ایران از بسیاری از فرصت‌های خود در منطقه محروم بماند، مرزهای ایران با آذربایجان و ارمنستان دچار تغییرات خطرناکی شده به طوری که از مرز ۷۶۵ کیلومتری با آذربایجان حدود ۱۲۰ کیلومتر آن در دست جدایی‌طلبان قره‌باغ است که این روند تأثیر خاصی بر طرح‌های اقتصادی در این منطقه که ایران در آن ذینفع است برجای گذاشته است؛ همچنین تداوم بحران مذکور می‌تواند زمینه‌ساز مداخله نظامی روسیه به حمایت از ارمنستان، ایالات متحده آمریکا و ناتو در حمایت از آذربایجان گردد که این موضوع امنیت ملی ایران را هم به مخاطره می‌اندازد (Martirosyan, 2009: 2). خطر بروز درگیری مجدد در این منطقه و تبعاتی مانند گسترش بی‌ثباتی، هجوم آوارگان جنگی به کشور، تقویت حضور کشورهای متخاصم در منطقه و حتی حضور گروه‌های تکفیری را خواهد داشت.

- پناه دادن به گروهک‌های معارض و تجزیه‌طلب. این اقدام با فشار گسترده لابی صهیونیستی صورت پذیرفته است. حتی در مقطعی بحث انتقال ساکنان اردوگاه اشرف عراق به آذربایجان مطرح شد (طالبی، ۱۳۹۲: ۶).

در نمودار ۲، مهم‌ترین چالش‌های سیاسی-امنیتی و اقتصادی و فرهنگی موجود در روابط آذربایجان و ایران ذکر شده است:

نمودار ۲: مهم‌ترین چالش‌های موجود در روابط آذربایجان و ایران. نمودار از (نویسندگان)

الگوی تقسیم بندی چالش‌های موجود در روابط آذربایجان و ایران		
چالش‌های ژئواکونومیکی	چالش‌های ژئوکالچری	چالش‌های سیاسی-امنیتی
زمینه‌سازی برای نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تعارض منافع دو کشور درباره رژیم حقوقی دریای خزر، ادعای مالکیت میداین انرژی ایران در دریای خزر توسط آذربایجان	پان آدریسم، سکولاریسم، نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تحریف تاریخ و تمامیت ارضی ایران در کتب رسمی.	نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بحران ناگورنو-قره‌باغ، آلودگی زیست محیطی دریای خزر (سلامت بهداشتی ساکنان استان‌های شمالی ایران، رژیم حقوقی خزر، پناه دادن به گروه‌های معارض و تجزیه طلب، وجود جریان سکولار و ملی‌گرای افراطی.

بررسی مهم‌ترین متغیرهای فرهنگی - توریستی مؤثر بر وابستگی ژئوپلیتیکی نخجوان به ایران

* بررسی نقش اشتراکات مذهبی در افزایش وابستگی نخجوان به ایران

اشتراکات مذهبی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در توسعه حوزه نفوذ یک کشور در مناطق و کشورهای ماورای قلمرو خود محسوب می‌شود که ایران می‌تواند از این عامل برای توسعه اثرگذاری خود در نخجوان استفاده کند. دین اکثریت مطلق مردم نخجوان اسلام است و البته پیرو مذهب تشیع. آمارهای متفاوتی از جمعیت شیعیان این جمهوری ارائه می‌شود که به‌عنوان نمونه دایرةالمعارف بریتانیکا جمعیت شیعیان را ۷۰/۴ درصد اعلام کرده است اما اکثر منابع پیروان تشیع را بالای ۸۰ درصد اعلام می‌کنند (عباسی، ۱۳۹۱: ۹۴).

در این رابطه، مهم‌ترین استراتژی ایران برای نفوذ فرهنگی در آذربایجان و نخجوان، استفاده از مؤلفه مذهب بوده و برای این مقصود، از روحانیونی که آموزش‌های کافی دیده‌اند استفاده کرده است (Cornel, 2006: 42)، اما دولتمردان آذری این فعالیت‌های ایران را تهدیدی برای حاکمیت خود می‌دانند. شیوه فرهنگی دیگر ایران برای نفوذ در این کشور به‌وسیله مدارس مذهبی است که در این مدارس قرآن خوانده می‌شود و ادبیات و ایدئولوژی دولت ایران تدریس می‌شود (Geybullayeva, 2012: 116). البته فعالیت‌های اکثر این مدارس به دستور دولت آذربایجان لغو

گردید و رئیس‌جمهور «علی‌اف» نیز در یک سخنرانی، رسماً از ایران خواست تلاش خود برای نفوذ مذهبی در کشورش را متوقف کند (Goble, 2012: 114). از دیگر راهکارهای ایران استفاده از ابزار رسانه‌ای است؛ به‌عنوان نمونه، روزنامه «صدای اسلام» که هم در نخجوان و هم در خاک اصلی آذربایجان منتشر می‌شود توسط ایران مورد حمایت قرار می‌گیرد و یا شبکه تلویزیونی «سحر» که برای ساکنان آذری راه‌اندازی شده است، دارای برنامه‌هایی با مضامین و ارزش‌های اسلامی-ایرانی هستند. شبکه سحر ۲ هم به زبان روسی و آذری به پخش برنامه مشغول است (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۱). در حال حاضر برخی طلبه‌های آذری از نخجوان برای تحصیل علوم دینی به حوزه‌های علمیه ایران می‌آیند که آمار دقیقی از تعداد آنان وجود ندارد اما دولت آذربایجان همواره تأکید کرده است که از واگذاری هرگونه مشاغل دولتی به آن‌ها در بازگشت به آذربایجان خودداری خواهد کرد. با وجود اشتراکات مذهبی بین ایران و نخجوان، سلطه ۷۰ ساله کمونیسم در این منطقه و رواج گسترده سبک زندگی غربی در این منطقه با تبلیغات وسیعی که به‌ویژه از سوی ترکیه و در قالب آثار سینمایی و تلویزیونی و ... انجام می‌شود و از همه مهم‌تر ساختار سیاسی کاملاً سکولار و لائیک، مانع از موفقیت ایران در استفاده از عامل مذهب برای گسترش نفوذ خود در نخجوان و آذربایجان شده است (عیسی‌نژاد و بشیریان، ۱۳۹۱: ۴). در تحلیلی کلی علت اصلی عدم توفیق ایران در بهره‌گیری از عامل مذهب برای توسعه نفوذ خود در نخجوان به اصل کلی اسلام‌گرایی ایرانی در برابر لیبرال-سکولاریزم آذربایجانی‌ها برمی‌گردد (افضلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰). این اندیشه‌ها و تصورات متضاد سیاسی حاکم بر کنشگران ایرانی و آذری، به‌ویژه در سطوح بالای حکومتی باعث ساخت یابی یک ساختار واگرا در روابط دوجانبه آن‌ها شده و تقابل دو طرف را شدت داده و مانع از بهره‌گیری ایران از مذهب در روابط خود با نخجوان شده است.

* بررسی نقش پیشینه تاریخی مشترک در افزایش وابستگی نخجوان به ایران

از نظر تاریخی، نخجوان از زمان ساسانیان همواره تحت سیطره حکومت‌های ایرانی قرار داشته است اما در زمان فرمانروایی سلسله قاجاریه بر ایران در اوایل قرن ۱۹ میلادی و پس از پایان جنگ‌های ایران و روسیه، در ۲۶ ژوئن ۱۸۲۷ و در نتیجه مفاد عهدنامه ترکمنچای، از ایران منتزع و در قلمرو دولت امپراتوری روسیه قرار گرفت. پیشینه تاریخی مشترک خود به ایجاد سنت‌های فرهنگی و آداب و رسوم مشترک بین ایران و نخجوان منجر شده است. اشتراکات تاریخی می‌تواند پایه‌گذار روابط سیاسی نزدیکی بین کشورها باشد اما این امر در رابطه بین ایران و آذربایجان (نخجوان) چندان نمود پیدا نکرده است. تکرار ایران شمالی (جمهوری آذربایجان و نخجوان) از سوی برخی مقامات سیاسی و برخی از روشنفکران ایران به ایجاد فضای

بی‌اعتمادی بین ایران و آذربایجان کمک بسیار زیادی کرده است (Crisis Group ... , 2008: 7). در این کشور هرگونه تعلق تاریخی به ایران و اینکه تا زمان انعقاد قراردادهای ترکمنچای و گلستان، تمام مناطق نخجوان و آذربایجان بخشی از ایران بوده‌اند انکار می‌شود و حتی مناطق آذری نشین ایران را نیز متعلق به خود می‌دانند. مقامات این کشور معتقدند تأکید بر تعلق تاریخی نخجوان و آذربایجان به ایران در سطوح مختلف از کتاب‌های درسی گرفته تا برخی اظهارات دولتمردان ایرانی، تهدید علیه حاکمیت ملی آذربایجان است. این مسئله معمولاً در اکثر کشورهایی که در زمانی طولانی بخشی از خاک یک کشور دیگر بوده‌اند رواج دارد و تا تکمیل هویت سیاسی مختص به خود، روابطی توأم با احتیاط خواهند داشت (سلطانی، ۱۳۹۴: ۱۰۱). مهم‌ترین مانع در راه استفاده از پیوندهای تاریخی در روابط ایران و نخجوان، تقابل ناشی از هویت تاریخی دو کشور ایران و آذربایجان است. ترس آذری‌ها از الحاق دوباره سرزمینشان (هرچند تا حدود بسیاری غیرممکن و محال است) به ایران در روح قانون اساسی این کشور رسوخ کرده و هرگونه تلاش تهران برای بهره‌گیری از عامل تاریخ مشترک را برای نفوذ در نخجوان با دشواری مواجه ساخته است (افضلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹). این امر به سابقه تعلق آذربایجان به ایران در دوره‌هایی طولانی از تاریخ برمی‌گردد و کارگزاران دولتی سعی کرده‌اند تاریخ را به نحو دیگری بازنویسی کنند.

* نقش قومیت‌گرایی و پان‌آدریسم در مناسبات ایران-نخجوان (آذربایجان)

آذری نشین بودن بخش شمال غربی ایران، باعث شده تا پان‌آدریسم و قومیت‌گرایی در روابط بین این کشور با نخجوان و آذربایجان بسیار تأثیرگذار باشد. البته این عامل بیشتر از ناحیه طرف آذری مطرح می‌شود.

هویت قومی و ملی متضاد ایران، نخجوان و آذربایجان به درازای تاریخ می‌رسد. شاهنامه، نماد فرهنگ ایرانی، ایران و توران را بزرگ‌ترین دشمنان هم معرفی می‌کند. از همان ابتدا قوم ترک و ایرانی به‌عنوان رقبای یکدیگر در منطقه حضور داشته‌اند. آذری‌ها خود را به‌واسطه جنبش پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم، بخشی از ملت ترک می‌دانند. البته این نگرش بیشتر در سطح کارگزاران دولتی آذربایجان وجود دارد تا عامه مردم این کشور (بیات، ۱۳۸۸: ۱۳۸). وجود گرایش‌های پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم به‌ویژه در آذربایجان و با تحریک شدید ترکیه، عاملی بازدارنده و منفی در توسعه روابط دوجانبه ایران-آذربایجان است؛ بنابراین مفهوم، ساکنان مناطق آذربایجان ایران ترک بوده و باید به آذربایجان شمالی ملحق شوند (Nassibu, 2012: 3). تبلیغات شدید مبتنی بر اندیشه پان‌آدریسم که لزوم اتحاد تمام آذری‌زبانان را مطرح می‌کند، همراه با ساختن تصویری از جمهوری اسلامی که با برتر انگاشتن فارس‌ها، حقوق ترک‌ها را

پایمال کرده است، باعث شده تا همواره موج اتهامات نسبت به ایران مطرح شود. در برخی از کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان، (کتاب تاریخ مقطع پنجم دبستان)، نقشه جمهوری آذربایجان قسمتهایی از ایران شامل استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، همدان، قزوین، زنجان و گیلان را در برمی‌گیرد، از این اقدام به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد بدبینی بین دو کشور نام می‌برند. ایران چنین اقدامی را تلاش آذربایجان برای تحریک احساسات قومی ساکنان شمال غرب خود علیه حکومت مرکزی می‌پندارد.

دولت آذربایجان روز ۳۱ دسامبر هر سال را به‌عنوان روز وحدت آذری‌های جهان تعطیل رسمی اعلام کرده است و بعضاً بودجه‌هایی را برای پیشبرد اهداف قوم‌گرایانه اختصاص می‌دهد که به‌عنوان نمونه در بودجه سال ۲۰۰۱ خود مبلغ ۴۰۰۰۰۰ دلار برای پشتیبانی از مراکز آذربایجانی‌ها در جهان پیش‌بینی کرد که شامل حمایت از فعالان آذری‌زبانان ایرانی جدایی‌طلب نیز می‌شد (کولایی، ۱۳۸۹: ۹۱). در اقدامی دیگر، الهام علی‌اف رئیس‌جمهور کنونی آذربایجان، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های خود را تشکیل «دولت واحد آذربایجان»، مشکل از آذری‌های کشورهای همسایه برمی‌شمارد و در مقابل، ایران نسبت به هرگونه حرکت در رابطه با وحدت ترک‌های جهان حساس بوده و آن را در مورد تمامیت ارضی خود نوعی اقدام خصمانه تلقی می‌کند (Gilles, 2008: 45). به‌طور کلی قومیت‌گرایی و پان‌ترکیسم، به‌عنوان اهرم فشاری (حداقل در عرصه سیاسی و نه در عرصه عمل) علیه ایران عمل کرده و ماهیتی ضد ایرانی در روابط این کشور با آذربایجان داشته است. مقامات ایرانی نگران تأثیر این مسئله بر اقلیت بزرگ آذری‌زبانان خود در نواحی هم‌مرز با جمهوری آذربایجان هستند و این عامل به‌عنوان عنصری تنش‌زا در روابط دو کشور متجلی شده است. با توجه به نقش پان‌آدریسم در ارائه تصویری منفی از ایران در بین افکار عمومی نخجوان و آذربایجان، تلاش برای مقابله با آثار سوء این اندیشه‌ها برای ایران در رابطه با نخجوان و آذربایجان با اهمیت تلقی می‌شود.

* وضعیت روابط علمی - دانشگاهی ایران و نخجوان

همکاری و ارتباطات علمی از ابزارهای ضروری ایجاد تفاهم بیشتر بین کشورهاست و یکی از مهم‌ترین معیارهای تعیین میزان همکاری‌های علمی بین‌المللی، تعداد موافقت‌نامه‌هایی است که بین دولت‌ها و دانشگاه‌ها منعقد می‌شود. در همین ارتباط تبادل استاد و دانشجو و ایجاد کرسی‌های زبان فارسی و ترکی آذری در دانشگاه‌های ایران و نخجوان می‌تواند موجب ارتقای همکاری‌های علمی دو طرف شود.

در حال حاضر همکاری‌هایی در بخش علمی - دانشگاهی میان جمهوری خودمختار نخجوان

و جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و تاکنون تفاهم‌نامه‌هایی بین مراکز علمی دو طرف منعقد شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- تفاهم‌نامه همکاری دانشگاه دولتی نخجوان با دانشگاه‌های تهران و تبریز در خصوص تبادلات علمی و فرهنگی، انجام تحقیقات و انتشار مقالات مشترک و بازدیدهای علمی مشترک.
- ۲- همکاری علمی دانشگاه پیام نور استان آذربایجان غربی با دانشگاه دولتی نخجوان (سرکنسولگری ایران در نخجوان، ۱۳۹۳).
- ۳- همکاری برای اجرای برنامه‌های علمی مشترک بین آکادمی علوم نخجوان و مراکز دانشگاهی جمهوری اسلامی در زمینه‌های تبادل نسخ خطی، نجوم (رصدخانه مراغه و رصدخانه باتابات)، علوم طبیعی و زیست‌شناسی.
- ۴- همکاری در زمینه تبادل استاد و دانشجوی پزشکی میان نخجوان و دانشگاه علوم پزشکی تبریز و همکاری مشترک در زمینه چاپ (طالبی، ۱۳۹۰: ۱۴).
- ۵- تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه دولتی نخجوان توسط اساتید ایرانی، که در این ارتباط نخستین‌بار در طول روابط ایران و نخجوان، دکتر علیرضا مظفری استادیار دانشگاه ارومیه، تدریس زبان فارسی را در سال ۲۰۱۵م در دانشگاه دولتی نخجوان آغاز کرده‌اند که در حال حاضر و در مجموع ۲۸ نفر در رشته آموزش زبان فارسی و مترجمی زبان فارسی-آذربایجانی دانشگاه دولتی نخجوان در حال تحصیل هستند (واسته فرهنگی ایران در نخجوان، ۱۳۹۳). توانایی ایران در حوزه‌های پزشکی، فناوری‌های نوین و پیشرفته مانند نانو، بایو و فناوری اطلاعات، وجود ۳۳۰۰ شرکت دانش‌بنیان و همچنین ۳۴ پارک علم و فناوری موجود در کشور، تجربیات استادان و دانشمندان ایرانی می‌تواند مورد استفاده گسترده جمهوری آذربایجان قرار گیرد (سلطانی، ۱۳۹۴: ۱۱۳). با وجود اشتراکات فراوانی که بین ناحیه شمال غربی ایران و نخجوان وجود دارد اما تا رسیدن به سطحی از همکاری‌های علمی دو طرف به میزانی که بتواند در مناسبات سیاسی دوجانبه تأثیرگذار باشد، راه زیادی مانده است. در این رابطه افزایش بورسیه دانشجویان نخجوانی در دانشگاه‌های کشور و به‌ویژه دانشگاه‌های تبریز و ارومیه می‌تواند به گسترش همکاری‌های علمی دوجانبه منجر شود.

※ خدمات توریستی-درمانی ارائه‌شده به ساکنان نخجوان

گردشگری، سلامت سفری سازمان‌یافته از محیط زندگی فرد به مکان دیگر به‌منظور بهبود و بازیابی مجدد سلامت جسمی و روحی است. گردشگری درمانی و بهداشتی با روبه‌رشد بودن در صنعت گردشگری، دارای اهمیت بالایی بوده و علاوه بر جاذبه‌های طبیعی و روش‌های

درمانی، به دلایل اقتصادی مورد توجه بیشتر قرار گرفته است؛ زیرا که صادرات خدمات پزشکی یک اصل شناخته‌شده برای تقویت نفوذ اقتصادی کشور است. با این زمینه به بررسی مهم‌ترین امکانات پزشکی-توریستی موجود در ایران و به‌ویژه شمال غرب کشور در زمینه جذب توریسم درمانی از نخجوان پرداخته می‌شود.

وجود امکانات و خدمات پزشکی پیشرفته در شهر تبریز، زبان مشترک بین مناطق شمال غربی ایران و نخجوان و عدم وجود مشکل در برقراری ارتباط برای ساکنان نخجوانی، وجود چشمه‌های آب‌درمانی و آب گرم متعدد و استثنایی در دامنه‌های کوه‌های سهند و سبلان، اقداماتی از طرف ایران از جمله برگزاری نمایشگاه‌های گردشگری سلامت که با مشارکت بیمارستان‌های شمال غربی کشور در مرز مشترک با نخجوان، ایجاد شده و به‌رایگان خدمات درمانی به گردشگران ورودی ارائه می‌دهد در گسترش ورود توریست‌های درمانی از نخجوان به ایران مؤثر بوده‌اند (سلطانی، ۱۳۹۴: ۸۶)؛ اما در کنار همه موارد فوق، هزینه‌های پایین خدمات درمانی در ایران نسبت به سایر کشورها که ۵۰ درصد پایین‌تر است، در جذب توریسم درمانی از نخجوان بسیار مؤثر بوده است (دلگشایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۷۶).

* وضعیت تعداد مسافران ورودی از نخجوان به ایران

همان‌طور که در نمودار ۳ دیده می‌شود در سال ۱۳۹۳ تعداد ۸۵ هزار نفر از دو مبدأ ورودی اصلی جلفا و صنم بلاغی پلدشت و از نخجوان وارد ایران شده‌اند که مهم‌ترین دلیل سفر آن‌ها به ایران، عمدتاً درمانی-توریستی است (سالنامه آماری گمرک، ۱۳۹۳).



نمودار ۳: آمار مسافران و وسایل نقلیه ورودی از نخجوان به ایران از طریق دو مبدأ ورودی اصلی جلفا و پلدشت (۱۳۹۳). منبع: (سالنامه آماری گمرک ج.ا.ایران، ۱۳۹۳).

به منظور افزایش تعداد توریست‌های ورودی به کشور و افزایش زمان ماندگاری آنان لازم است اقداماتی چند صورت پذیرد:

- لغو تشریفات کاپتاژ خودرو برای اتباع نخجوان برای تردد در خاک کشور و عدم نیاز به روادید برای مسافرت به دو طرف و تلاش برای اجرای کامل توافقنامه تردد آسان مسافران با کشور آذربایجان برای تسهیل در ورود تبعه نخجوان به ایران.
- بهبود وضعیت ارائه خدمات درمانی-پزشکی به ویژه در شمال غرب کشور و آگاهی‌رسانی به جامعه پزشکی به منظور پرهیز از اعمال تبعیض و اخذ تعرفه‌های درمانی بیشتر از تبعه خارجی.
- تلاش برای استفاده از پتانسیل‌های بخش خصوصی برای ایجاد بیمارستان‌های فوق تخصصی و تلاش برای کسب استانداردهای بین‌المللی درمانی نظیر JCI (Joint Commission International) که در حال حاضر هیچ مرکز خدمات درمانی ایرانی موفق به اخذ چنین رتبه‌ای نشده است (Kazemi, 2007).
- ساخت پارک‌های گردشگری و مراکز تفریحی و سیاحتی.
- استفاده از ظرفیت رسانه‌ای صداوسیما، مطبوعات و سایر رسانه‌های دیداری و شنیداری برای معرفی بیشتر جاذبه‌های گردشگری به ویژه مناطق شمال غربی کشور.
- با مقایسه جمعیت نخجوان و تعداد نفرات ورودی که از این منطقه و از دو گذرگاه رسمی وارد ایران شده‌اند، این نتیجه حاصل می‌شود که امکانات فعلی پزشکی ایران و همچنین جذابیت‌های طبیعی و انسانی، تا حدودی توانسته است در جذب توریست و به ویژه توریست‌های درمانی از نخجوان، موفق عمل کند اما لازم است برای افزایش زمان ماندگاری و همچنین رضایتمندی بیشتر آنان اقدامات فوق صورت گیرد.

* وضعیت اجرای قانون لغو روادید بین ایران و نخجوان (آذربایجان) برای تسهیل عبور مرزی مسافران

لغو روادید مسافرتی مابین کشورها از جمله ابتدایی‌ترین گام‌ها در مسیر توسعه همکاری‌های منطقه‌ای بشمار می‌رود. در گام‌های بعد، آزادی مهاجرت و اقامت، کشورهای یک منطقه را به یکدیگر نزدیک‌تر ساخته و عملاً مرزهای آن‌ها را به خطوط نمادین جغرافیایی تبدیل می‌سازد. ایران از اول فوریه ۲۰۱۰ و بر اساس قرارداد دوجانبه ۱۹۹۳ با آذربایجان در رابطه با لغو روادید، به صورت رسمی روادید اخذ ویزا برای شهروندان این کشور را به صورت یک طرفه لغو کرد و شهروندان نخجوانی می‌توانند در صورت محرز شدن سلامت و نداشتن بیماری‌های مسری و صعب‌العلاج همچون هیپاتیت B و C، سل و ایدز، به مدت ۱۵ روز در ایران اقامت داشته باشند. البته برای ورود توریست‌های ایرانی به آذربایجان مشکلات زیادی وجود دارد که مهم‌ترین

آن‌ها عدم ثبات در اجرای قانون لغو روادید برای اتباع ایرانی در زمان‌های مختلف و لغو قرارداد عدم نیاز به ویزا در ۲۰۱۳ برای اتباع ایران از سوی دولت آذربایجان است که دلیل این اقدام، کنترل بیشتر ورود مواد مخدر از ایران به این کشور اعلام شد؛ اما در جریان نهمین گروه مشترک اقتصادی دو کشور در ۱۳۹۳ در باکو، مقرر شد در شهریور همان سال آذربایجان برای توریست‌های ایرانی، فقط برای ورود به نخجوان، در دو گذرگاه مرزی پلدشت و جلفا روادید صادر کند و نیازی به مراجعه به تهران و تبریز برای اخذ ویزا نخواهد بود؛ اما برای خاک اصلی آذربایجان احتیاج به تهیه ویزا خواهد بود (سرکسولگری ایران در نخجوان، ۱۳۹۳). آذربایجان در مورد لغو روادید برای شهروندان ایرانی برای سفر به نخجوان همواره با فشارهای کشور ترکیه مواجه است که خواهان واگذاری چنین امتیازی به شهروندان ترک است و یکی از دلایل عدم ثبات در طرف آذری در اجرای قانون یادشده، ناشی از همین موضوع می‌باشد. تجربه موفق کشورهای دیگری که این اقدام (لغو روادید) را انجام داده‌اند، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که فرصت‌ها و منافع لغو روادید، بسیار بیشتر از مضرات و تهدیدات آن خصوصاً در بخش تجارت و به‌ویژه در حوزه فرهنگی بین ایران و نخجوان خواهد بود. همچنین، با توجه به اینکه ایران قبلاً روادید عبور را با کشورهای ترکیه، ونزوئلا، سنگاپور و ... لغو کرده است و تجربه‌ای موفق در این حوزه‌ها کسب کرده لذا با آگاهی از نتایج این امر اقدام به لغو روادید برای اتباع آذری کرده است.

* نقش اشتراکات زبانی نخجوان و ناحیه شمال غربی ایران

زبان وسیله تفهیم و تفاهم بین افراد و درعین حال در روابط علمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی میان کشورها و ملت‌های مختلف، ایفاگر نقشی اساسی است. عامل زبان مشترک با آذری‌های ایران می‌تواند ارتباطات فرهنگی، اقتصادی، تجاری، اجتماعی و دانشگاهی بین‌این را تسهیل کند و در صورت داشتن برنامه مناسب و همکاری دولت خودمختار نخجوان، مقدمه خوبی برای همکاری‌های دو طرف باشد (عباسی، ۱۳۹۱: ۱۰۰). در رابطه با اشتراکات زبانی، دامن زدن به مسئله پان‌آدریسم و تفکر تشکیل آذربایجان بزرگ از سوی نهادهای دولتی و غیردولتی آذربایجان، خود عاملی بازدارنده و منفی در بهره‌گیری از زبان مشترک در تعمیق ارتباطات بین دو همسایه شده است. اقداماتی تأمل‌برانگیز، از جمله اظهار نظر الهام علی‌اف رئیس‌جمهور کنونی آذربایجان، در مورد تشکیل «دولت واحد آذربایجان»، متشکل از آذری‌زبانان کشورهای همسایه، برای ایران اقداماتی در جهت تضعیف وحدت ملی خود از جانب دولت آذربایجان تلقی می‌شود (Gilles, 2008: 45). ناگفته نماند که مسائل فوق صرفاً موجب تنش در روابط دولت‌های ایران و آذربایجان و نخجوان شده اما به‌طور کلی زبان مشترک ترکی آذری عاملی تعیین‌کننده در تقویت همگرایی افکار عمومی

نخجوان با بخشی از بدنه ملت ایران در شمال غرب است. باید گفت که ایران از تمامی ظرفیت‌های زبان مشترک برای افزایش رابطه با نخجوان و آذربایجان بهره نبرده است اما تکیه کشور ترکیه بر عامل زبان مشترک ترکی و البته با هدف ایفای نقش برادر بزرگ‌تر کشورهای ترک‌زبان، موفق شده است تا نظر دولتمردان آذری را به خود جلب کند (لانگو، ۱۳۸۲: ۱۴-۱۵). این در حالی است که زبان ترکی آذری در نخجوان و آذربایجان اختلاف بسیار ناچیزی با زبان آذری در ایران دارد، حال آنکه هر دوی این گویش‌ها بسیار متفاوت از زبان ترکی استانبولی می‌باشند.

* وضعیت نهادهای فرهنگی مشترک و «سمن‌ها» بین ایران و نخجوان

تهیه آثار فرهنگی مشترک توسط نهادهای فرهنگی خصوصی از جمله تهیه فیلم‌ها و مجموعه‌های مشترک درباره آداب و رسوم مشترک، می‌تواند در دستور کار قرار گیرد. در رابطه با نهادهای فرهنگی، باید از ظرفیت نهادهای موجود در استان‌های مرزی برای فعالیت در جمهوری نخجوان استفاده کرد. به‌عنوان نمونه در استان آذربایجان شرقی در حدود ۱۹۸ سازمان مردم‌نهاد فرهنگی- اجتماعی وجود دارد که در صورت تسهیل فعالیت‌های آن‌ها از سوی طرف آذری می‌توانند در این جمهوری (نخجوان) فعالیت کنند (سلطانی، ۱۳۹۴: ۱۰۲). نهادهایی مانند کمیته امداد، مؤسسات خیریه، سوادآموزی و مذهبی و ... با شراکت دولت خودمختار نخجوان، توانایی انجام اقدامات فرهنگی مناسبی را دارند؛ اما دولت آذربایجان به دلایل مختلف، نگرش خوش‌بینانه‌ای نسبت به فعالیت‌های نهادهای فرهنگی ایرانی در قلمرو خود ندارد و سخت‌گیری‌هایی انجام داده است؛ از جمله ایجاد محدودیت برای فعالیت «حسینیه اهل بیت ایرانیان»، اخراج مدیر نمایندگی «جامعه المصطفی»، تعطیلی نهاد کمیته امداد در نخجوان و ... (طالبی، ۱۳۹۰: ۱۵). اشتراکات فرهنگی موجود بین دو سوی ارس، باعث گرایش غالب در نخجوان به سوی ایران شده است و همین موضوع باعث بدبینی دولت آذربایجان به هرگونه فعالیت فرهنگی نهادهای دولتی و خصوصی ایرانی در این منطقه از خاک خود شده است. بخشی دیگر از این نگرانی نیز به ساختار انقلابی حکومت ایران مربوط می‌شود که باعث ایجاد نگرشی امنیتی به ایران در ارتباط با صدور انقلاب خود به آذربایجان از طریق فعالیت‌های فرهنگی شده است (چابکی، ۱۳۸۸: ۷۱).

ب: یافته‌های پرسشنامه‌ای

۱- مشخصات جامعه آماری

جامعه آماری موردنظر و مرتبط با پژوهش کنونی، همگی دارای سطح تحصیلات دکتری و

از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های «تهران»، «تربیت مدرس»، «شهید بهشتی»، «فردوسی مشهد» و «علوم و تحقیقات تهران» در رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل هستند. جدول ۱، فراوانی جامعه مورد نظر را نشان می‌دهد:

جدول ۱: فراوانی جامعه آماری در هریک از رشته‌های تحصیلی

فراوانی	سطح تحصیلات	رشته تحصیلی	N۱dN	
۱۱	۱۱	دکتری	۲۷	۲۷
۷	۷۷	دکتری	۲۷	۲۷
۹	۹۹	دکتری	۲۷	۲۷

(جدول از نویسندگان)

۲- روایی و پایایی پرسشنامه

در این تحقیق به منظور سنجش روایی پرسشنامه از روش اعتبار محتوا استفاده شده است. بدین صورت که روایی پرسشنامه با پوشش کامل مبانی نظری هم‌چنین نظرات اساتید راهنما و مشاور و سایر اساتید متخصص مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت روایی محتوایی و ساختاری آن مورد تأیید قرار گرفت. در رابطه با پایایی پرسشنامه، یکی از روش‌های محاسبه پایایی، ضریب آلفای کرونباخ است. چنانچه ضریب آلفای کرونباخ برای یک مقیاس بیش از ۰/۷ محاسبه گردد، پایایی آن مقیاس مطلوب ارزیابی می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۷۶۶ محاسبه گردید که بالاتر از ۰/۷ است؛ بنابراین پایایی پرسشنامه مطلوب ارزیابی گردیده است.

۳- آزمون نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون «شاپیرو- ویلک»^۱

در این پژوهش ابتدا با استفاده از آمار توصیفی، ویژگی‌های جامعه آماری مورد مطالعه قرار گرفته است و پیش از استفاده از آزمون‌های آماری ابتدا باید آزمون نرمال بودن داده‌ها انجام شود زیرا قبل از هرگونه آزمونی که با فرض نرمال بودن داده‌ها انجام می‌شود باید از نرمال بودن داده‌ها اطمینان حاصل شود. برای بررسی نرمال بودن داده‌ها فرض صفر مبتنی بر اینکه توزیع داده‌ها نرمال است را در سطح خطای ۵٪ آزمون می‌کنیم؛ بنابراین اگر مقدار معناداری بزرگ‌تر مساوی ۵٪ باشد در این صورت دلیلی برای رد فرض صفر مبنی بر اینکه داده‌ها نرمال است وجود ندارد؛ به عبارت دیگر توزیع داده‌ها نرمال خواهد بود. در این پژوهش از آزمون شاپیرو- ویلک برای نرمال بودن داده‌ها استفاده شده است.

جدول ۲: آزمون نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون «شاپیرو - ویلک»

معناداری	N	(شاپیرو - ویلک)	ابعاد چهارگانه بعد فرهنگی - توریستی
.153	۲۷ 27	.944	

(جدول از نویسندگان)

همان‌طور که مشاهده می‌شود سطح معناداری برای تمامی ابعاد بالاتر از ۵٪ است، بنابراین داده‌ها طبق آزمون شاپیرو- ویلک، نرمال هستند.

۴- متغیرهای مؤثر در بعد فرهنگی - توریستی

مؤثرترین متغیر در بعد فرهنگی و توریستی با توجه به میانگین به دست آمده، مربوط به اجرای قانون لغو روادید برای اتباع آذربایجان و نخجوان است و کمترین تأثیر را متغیر روابط علمی و دانشگاهی دارد. نکته جالب توجهی که در جدول ۳ نیز به چشم می‌خورد میانگین پایینی است که متغیر پیشینه تاریخی مشترک دارد.

جدول ۳: میانگین و میزان تأثیر متغیرهای فرهنگی و توریستی برافزایش سطح وابستگی ژئوپلیتیکی نخجوان به ایران

ردیف	گونه	میزان تأثیر بعد مربوطه	میانگین کلی: ۳.۱۳
۱	روابط علمی - دانشگاهی	فراوانی	۲.۹۶
۲	تلاش برای مقابله با اشاعه اندیشه‌های پان‌آدریسم	فراوانی	۲.۹۲
۳	پیشینه تاریخی مشترک	فراوانی	۲.۹۶
۴	ایجاد نهادهای فرهنگی مشترک و سمن‌ها	فراوانی	۳.۰۳
۵	اشتراکات مذهبی	فراوانی	۳.۰۳
۶	اشتراکات زبانی با ناحیه شمال غربی ایران	فراوانی	۳.۷۰
۷	بهبود ارائه خدمات درمانی - بهداشتی به اتباع آذری (نخجوانی).	فراوانی	۴.۴۸
۸	اجرای قانون لغو روادید برای اتباع آذری ساکنان نخجوان	فراوانی	۴.۴۸

(جدول از نویسندگان)

۵- اولویت‌بندی متغیرهای مؤثر در بعد فرهنگی- توریستی با استفاده از آزمون فریدمن در بعد فرهنگی و توریستی و با توجه به رتبه میانگین‌های به‌دست‌آمده از طریق آزمون فریدمن، متغیر «قانون لغو روادید برای اتباع آذری و نخجوان» اولویت نخست را به خود اختصاص داده است و دو عامل بهبود ارائه خدمات درمانی - بهداشتی و اشتراکات زبانی با ناحیه شمال غربی ایران پس از آن قرار دارند. اشاعه اندیشه‌های پان‌آدریسم، پیشینه تاریخی مشترک و روابط علمی و دانشگاهی دارای کمترین رتبه میانگین و اولویت، در رابطه با طرف آذری مطرح هستند.

جدول ۴: اولویت‌بندی متغیرهای فرهنگی و توریستی با استفاده از رتبه میانگین به‌دست‌آمده از آزمون فریدمن

اولویت	متغیر	رتبه میانگین
۱	اجرای قانون لغو روادید برای اتباع آذری و نخجوان	۸.۱۹
۲	بهبود ارائه خدمات درمانی - بهداشتی به اتباع آذری (نخجوان).	۷.۹۶
۳	اشتراکات زبانی با ناحیه شمال غربی ایران	۶.۵۶
۴	اشتراکات مذهبی	۴.۸۱
۵	ایجاد نهادهای فرهنگی مشترک و سمن‌ها	۴.۷۲
۶	تلاش برای مقابله با اشاعه اندیشه‌های پان‌آدریسم	۴.۶۱
۷	پیشینه تاریخی مشترک	۴.۶۰
۸	روابط علمی - دانشگاهی	۴.۴۶

(جدول از نویسندگان)

نتیجه‌گیری

برقراری ارتباط زمینی بین خاک اصلی جمهوری آذربایجان با جمهوری خودمختار نخجوان، به‌واسطه مناقشه قره‌باغ با کشور ارمنستان، ممکن نبوده و صرفاً از طریق خاک ایران مقدور است. عدم پیوستگی جغرافیایی آذربایجان و نبود امکان برقراری ارتباط زمینی با واحد برون‌گان خود (نخجوان)، از بزرگ‌ترین مشکلات استراتژیکی و امنیتی این کشور است و از آنجاکه آذربایجان در شرایط خصمانه با ارمنستان قرار دارد و دورنمای روشنی از بهبود روابط با آن کشور در آینده‌ای نزدیک مشاهده نمی‌شود و همچنین با توجه به طول مرزی بسیار ناچیز ۱۱ کیلومتری نخجوان با ترکیه است که (آن هم در تیررس توپخانه ارمنستان قرار داد). بررسی روابط ایران و آذربایجان در ارتباط با نخجوان از دیدگاه رهیافت سازه‌نگاری، نشان می‌دهد که روابط دو کشور بر اساس فهم آن‌ها از یکدیگر، فراز و نشیب‌هایی داشته و در مجموع

حاکمی از وجود بدبینی و روابطی سرد در نخجوان است و نشان از همگرایی ندارد و به سمت نگاهی امنیتی و واگرایانه ناشی از تفاوت‌های ساختاری کشیده شده است. استفاده از موقعیت جغرافیایی برون‌بوم جمهوری خودمختار نخجوان و افزایش وابستگی این جمهوری به ایران در ابعاد مختلف، می‌تواند در تغییر نوع روابط با جمهوری آذربایجان بسیار تأثیرگذار باشد. در بعد فرهنگی-توریستی، دو مؤلفه لغو روادید و بهبود ارائه خدمات درمانی-بهداشتی برای ساکنان نخجوان، از نظر صاحب‌نظران بیشترین میزان تأثیرگذاری را بر روابط ایران و نخجوان دارد که با یافته‌های کتابخانه‌ای نیز مطابقت زیادی دارد و همان‌طور که اشاره شد تعداد زیادی از اتباع این جمهوری برای استفاده خدمات درمانی ایران وارد کشور می‌شوند؛ اما عدم ثبات در اجرای این قانون به‌ویژه از سوی دولت آذربایجان، مشکلی عمده محسوب می‌شود.

در رابطه با اشتراکات مذهبی، به دلیل حاکمیت بلندمدت کمونیسم و تأثیرات منفی آن و ساختار سیاسی بی‌دینی آذربایجان و همچنین اصل کلی ساخت اسلام‌گرای ایرانی در برابر ساختار سکولار آذربایجان، ضمن ایجاد واگرایی، نتوانسته این مؤلفه را به‌عنوان عاملی مؤثر در افزایش نفوذ ایران در نخجوان تبدیل کند. در ارتباط با اشتراکات زبانی با وجود همگرایی عمومی بین مردمان دو سوی مرز ایران و نخجوان، مطرح شدن مسائلی مانند آذربایجان بزرگ و ... مانع بزرگی برای استفاده ایران از این مؤلفه در روابط خود با منطقه خودمختار نخجوان بوده است. در راه فعالیت‌های نهادهای فرهنگی و سمن‌ها نیز، دولت آذربایجان به این‌گونه مراکز و فعالیت آن‌ها در نخجوان نگاه مثبتی ندارد و از ادامه حضور آن‌ها جلوگیری کرده است.

در این پژوهش از نظر صاحب‌نظران موضوع، دو مؤلفه روابط علمی-دانشگاهی و پیشینه تاریخی مشترک، کمترین میزان تأثیرگذاری را داشتند. روابط علمی-دانشگاهی دو طرف طبق یافته‌های کتابخانه‌ای نیز با وضعیت مطلوب فاصله دارد و در ارتباط با پیشینه تاریخی عواملی مانند تکرار عنوان «ایران شمالی» به نخجوان و آذربایجان و همچنین تأکید بر تعلق تاریخی این دو منطقه به ایران در ادوار گذشته و مهم‌تر از همه تقابل ناشی از هویت تاریخی دو کشور ایران و آذربایجان موجب بدبینی مقامات این کشور به ایران شده و مؤلفه مذکور را در روابط ایران و نخجوان و آذربایجان به عاملی منفی تبدیل کرده است. در نگاهی کلی با وجود تأثیرگذاری مؤلفه‌های فرهنگی بر افزایش وابستگی نخجوان به ایران، اما بررسی کلی وضعیت کنونی هر کدام از مؤلفه‌های فرهنگی در روابط ایران و نخجوان، بیانگر وضعیت مطلوبی نیست و برای رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی وجود دارد. مؤلفه‌های فرهنگی در واقع پیشرو و موتور محرکه نفوذ کشورها در عرصه بین‌المللی و ایجاد وابستگی هستند و نیل بدان، تلاش بسیار برنامه‌ریزان سیاست‌های کلان ملی را می‌طلبد.

منابع

الف) فارسی

- احمدی‌پور، زهرا؛ کرمی، قاسم و قنبری، قاسم، (۱۳۹۰)، *سازمان‌دهی سیاسی فضا*، چاپ نخست، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- افضلی، رسول؛ متقی، افشین و رشیدی، مصطفی، (۱۳۹۱)، «تحلیل ساختار ژئوپلیتیکی حاکم بر روابط دوجانبه ایران و جمهوری آذربایجان با رویکرد جغرافیای برساخت‌گرایی»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰، تابستان.
- بیات، مسعود، (۱۳۸۸)، «نقش ژئوپلیتیکی قفقاز در تعیین یکسان مرزهای هویتی ایران با ایران در شمال غرب»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱۴، دوره ۵.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا و موسوی‌فرد، رحمت‌الله، (۱۳۸۹)، *منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای در حوزه ژئوپلیتیکی قفقاز*، چاپ نخست، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر؛ رضازاده، حبیب و حضرت‌پور، سعیده، (۱۳۹۳)، «بررسی علل سردی روابط ایران و آذربایجان»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۱، بهار و تابستان.
- جوادی، محمدجعفر و رضازاده، حبیب، (۱۳۹۰)، «آسیب‌شناسی مواضع ج.ا.ا نسبت به تعیین رژیم حقوقی دریای خزر از منظر ساختار-کارگزار»، فصلنامه سیاست، تابستان، دوره ۴، شماره ۲.
- دلگشایی، بهرام؛ جباری، علیرضا؛ فرزین، محمدرضا؛ شعرافچی، نسرین و طیبی، جمال‌الدین، (۱۳۹۱)، «وضعیت موجود گردشگری پزشکی مطالعه موردی ایران»، فصلنامه پایش، بهار، شماره ۲.
- زهرانی، مصطفی و فرجی لوحه سرا، تیمور (۱۳۹۲)، «منابع بین‌المللی تداوم بحران قره‌باغ»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، پاییز، شماره ۸۳.
- سالنامه آماری گمرک ج.ا.ایران، (۱۳۹۳)، آمار مسافران ورودی.
- سلطانی، محسن، (۱۳۹۴)، «بررسی نقش موقعیت جغرافیایی برونگان جمهوری خودمختار نخجوان در مناسبات ژئوپلیتیکی ایران و جمهوری آذربایجان»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، به راهنمایی هادی اعظمی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- طالبی، سجاد، (۱۳۹۰)، «روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، چالش‌ها و فرصت‌ها»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- طالبی، سجاد، (۱۳۹۲)، «روابط ایران و جمهوری آذربایجان، چالش‌ها و فرصت‌ها»،

- تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- عباسی، مجید و نورمحمدی، مرتضی و موسوی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، «تأثیر ویژگی‌های ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان بر روابط با ایران»، پاییز، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۲.
- عیسی‌نژاد، سید محمد و بشیریان، فاطمه، (۱۳۹۱)، «تحلیل ژئوپلیتیک روابط ایران و آذربایجان»، مجموعه مقالات چهارمین همایش علمی جغرافیا، اردیبهشت ۹۱.
- کولایی، الهه، (۱۳۸۹)، «ج.ا.ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، بهار، شماره ۱.
- کولایی، الهه و اصولی، قاسم، (۱۳۹۱)، «چگونگی تغییر روابط امنیتی شده ایران و جمهوری آذربایجان»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال پنجم، زمستان، شماره ۱۰.
- لاندو، جیکوب، (۱۳۸۲)، *پان‌ترکیسم، یک قرن در آرزوی الحاق‌گرایی*، ترجمه حمید احمدی، تهران، نشر نی.
- ملکی، عباس، (۱۳۸۹)، *امنیت انرژی، ایران و مسائل خزر*، چاپ نخست، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- موسوی، محمد و بهادرخانی، محمدرضا و موسوی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، «تأثیر جایگاه خطوط لوله انرژی بر ژئوپلیتیک منطقه آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، زمستان، شماره ۸۰.
- میرحیدر، دره، (۱۳۸۶)، *مفاهیم بنیادی در جغرافیای سیاسی*، چاپ نخست، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- نقشه جغرافیایی کشور آذربایجان، (۱۳۸۹)، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- چابکی، ام‌البنین، (۱۳۸۸)، «چالش‌های روابط ایران و جمهوری آذربایجان»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، بهار و تابستان، شماره ۴.
- کامران، حسن؛ متقی، افشین و رشیدی، مصطفی، (۱۳۹۰)، «حضور اسرائیل در قفقاز و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا، پاییز، دوره ۹، شماره ۲۸.
- کریمی‌پور، یدالله، (۱۳۹۴)، *جغرافیا؛ نخست در خدمت صلح، نگرشی به مناسبات ایران و همسایگان*، تهران: انتخاب.
- ونت، الکساندر، (۱۳۸۴)، *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.

ب) انگلیسی

- Buris, Gregory, (2003), "Turkey-Israel: Speed Bumps", *The Middle East Quarterly, A New Security Frame Work Analysis*, Lynn Rainier Boulder co.

- Cornell, Svante, (2006), "The Politicization of Islam in Azerbaijan", Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program, Joint Transatlantic Research and Policy Center, October, 42.

- Crisis Group Europe Report, (2008), "Azerbaijan: Independent Islam and the State", No. 191, 25 March.

- Frederick Starr & Svante E. Cornell, (2005), "The Baku-Tbilisi-Ceyhan Pipeline", Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program, A Joint Transatlantic Research and Policy.

- Guble, Paul, (2012), "Secular State Is Azerbaijan Choice", May, Vol. V. No 10, [Http://ada.edo.az/biveecly/issues/vo15no10/20120601083249769.html.25/05/1391,P110](http://ada.edo.az/biveecly/issues/vo15no10/20120601083249769.html.25/05/1391,P110)

- Gilles, RI ox, (2008), "The Formative Years of Azerbaijan Nationalism in Post-Revolutionary Iran", Central Asian Survey, March, Vol. 27, No. 1.

- Geybullayeva, Arzu, (2012), "Is Azerbaijan Becoming A Hub of Radical Islam", Turkish Policy Quarterly, Vol 6, N2.

- بانک جهانی (22 March, 2015). بازیابی شده ۲۵ اردیبهشت، ۱۳۹۴، از:

- [Http://www.worldbank.org](http://www.worldbank.org).

- [Http://www.maps.google.com](http://www.maps.google.com)

- سر کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در نخجوان، بازیابی شده ۱۸ مهر ۱۳۹۴، از:

- [Http://www.Nakhchivan.mfa.ir/index.aspx?fkeyid.192](http://www.Nakhchivan.mfa.ir/index.aspx?fkeyid.192), Translate this Page, Feb 20, 2015.

- [Http://www.Nakhchivan.mfa.ir/?sited=192&fkeyid...](http://www.Nakhchivan.mfa.ir/?sited=192&fkeyid...) Translate this Page, Sep 2, 2015.

- وابسته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در نخجوان، بازیابی شده ۲۶ شهریور ۱۳۹۳، از:

- [Http://www.Nakhchivan.icro.ir/index.aspx?fkeyid.297](http://www.Nakhchivan.icro.ir/index.aspx?fkeyid.297), Translate this Page, Jan 16, 2015.

- Kazemi, Z. (2007), "Study of the Effective Factor for Attracting Medical Tourist in Iran", Unpublished Master thesis, Lulea University of Technology: Netherlands.

- Linkalter, cd, (2000), *International Relation: Critical Concepts in*

political Science, London: Routledge.

- Martirosyan, Tigran, (2009), "Iran and the Caucasus: Keeping Balance in Volatility", [http://www.caocasus .Dk/publication 14 Html](http://www.caocasus.Dk/publication%2014%20Html). accessed on 2009/09/6.

- Nakhchivan, Ensiklopediyasi, (2005), c2, Nakhchivan: Azerbaijan Milli Elmlar Akademiyasinin Nakhchivan Bolmasi.

- Nassibu, Nasib, (2012), "Azerbaijan Iranian Relation: Past and Present", *Journal of Azerbaijan Studies*, N. 20, Accessed on: 2012/08/28.

- Onuf, N, (1989), *World of our Making: Rules and Rule in Social Theory and International Relation*, Colombia: University of South Carolina Press.

- Price, R.M.and Reus-smith, C, (1998), "Dangerous Liaisons? Critical International Theory and Constructivism", *European Journal of International Relation*, Vol. 4, No.3.

- Smith, Lillian (1963), "Killers or Dreams", UEA: New York.

